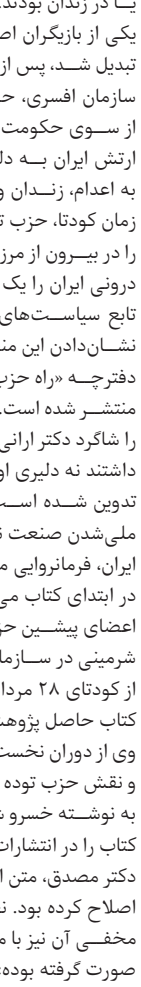


بررسی

حزب توده در روزهای کودتا

● رابطه مصدق و حزب توده ایران و نقش این حزب بزرگ و سراسری در ماجرای منتهی به کودتای ۲۸ مرداد همواره محل بحث و بررسی تاریخ نگاران بوده است. مصدق که بعد از سقوط رضاشاه، از تبعید به عرصه سیاست بازگشته بود در سال ۱۳۲۸ با چندین حزب وارد اتحاد شد و با همکاری حسین فاطمی به تأسیس جبهه ملی ایران اقدام کرد. جبهه ملی و در رأس آنها مصدق، به پیشنهاد فاطمی برای شروع استعمارستیزی در ایران، ملی‌شدن صنعت نفت را مطرح کردند. مصدق در سال ۱۳۳۰ به نخست‌وزیری رسید و در اولین قدم، نفت ایران را ملی کرد. به همین دلیل طرح سقوط دولت او توسط انگلستان که تا قبل از ملی‌شدن نفت، صاحب عمده نفت ایران بود ریخته شد و سرانجام در کودتای ۲۸ مرداد که توسط سازمان سیا انجام شد، دولت مصدق ساقط شد. مصدق در دوره پهلوی، سیاست‌مدار، حقوق‌دان، نماینده هشت دوره مجلس شورای ملی، و دو دوره نخست‌وزیر ایران بود. او در زمان انتقال سلطنت از قاجار به پهلوی، اگرچه از حکومت قاجار مایوس بود ولی با توجه به اینکه می‌دانست رضاشاه حکومتی بر مبنای دیکتاتوری ایجاد می‌کند، با این کار مخالفت کرد و بعد از آن یکی از منتقدان سرسخت رضاشاه شد. او سلطنت پهلوی را مخلوق سیاست انگلستان می‌دانست و در انجام اصلاحات دیدگاهی متفاوت با دربار داشت. مصدق می‌گفت اصلاحات باید از راه قانع‌کردن مردم و با همکاری ایشان و به دست ایشان انجام شود، نه از راه به‌کاربردن زور بی‌چون‌وچرا و شرکت‌ندان مردم در کارها.

کتاب «کارنامه مصدق و حزب توده» که به تازگی منتشر شده یکی از منابع مهم و دست‌اول درباره دوران نخست‌وزیری مصدق و نقش حزب توده در آن دوران است. این کتاب در حقیقت دست‌نوشته‌های «ارسلان پوریا» یکی از اعضای بلندمرتبه حزب توده و شاهدان عینی کودتاست. اولین‌بار خسرو شاکری ترتیب کتاب کارنامه مصدق را با نام مستعار پارسا یمگانی منتشر کرد. این کتاب در زمان خود نخستین تلاش از سوی یکی از اعضای سابق حزب توده در نقد و نفی رویکرد آن حزب نسبت به نهضت ملی محسوب می‌شد. اکنون انتشار متن کامل این کتاب، سند مهم دیگری در اختیار علاقه‌مندان به تاریخ معاصر ایران و نیز پژوهشگران تاریخ می‌گذارد تا با شناختی دقیق، به دور از غرض و پیشداوری بتوانند با بخشی از گذشته مبارزات ضداستعماری و ضداستبدادی مردم ایران آشنا شوند. تاریخ شروع کتاب به روز سوم شهریور ۱۳۲۰ و پایان آن به روزهای بعد از کودتا پیش از زندانی‌شدن نویسنده بازمی‌گردد. حزب توده به‌عنوان وارث سوسیال‌دموکراسی عهد مشروطه و حزب کمونیست ایران و توسط روشنفکران و فعالان چپ‌گرا و ملی‌گرای تأسیس شده بود که اغلب در دوره رضاشاه تحت تعقیب یا در زندان بودند. این حزب در دهه ۱۳۲۰ به یکی از بازیگران اصلی سپهر سیاسی ایران تبدیل شد. پس از کودتای ۲۸ مرداد و افشای سازمان افسری، حزب با سرکوب گسترده‌ای از سوی حکومت روبه‌رو شد و صدها افسر ارتش ایران به دلیل عضویت در این حزب به اعدام، زندان و تبعید محکوم شدند. زمان کودتا، حزب توده نیروی اساسی آزادی را در بیرون از مرزهای کشور می‌دید و بیکار درونی ایران را یک زائده فرعی غیراساسی و تابع سیاست‌های جهانی می‌پنداشت. برای نشان‌دادن این منطق حزب توده، بخشی از دفترچه «راه حزب توده ایران» در این کتاب منتشر شده است. رهبران حزب توده که خود را شاگرد دکتر ارانی می‌دانستند، نه دانش او را داشتند نه دلیری او را. این کتاب در سه بخش تدوین شده است؛ سیاست موازنه منفی، ملی‌شدن صنعت نفت یا به نام سعادت ملت ایران، فرمانروایی مردم. در «یادداشت ناشر» از ابتدا کتاب می‌خوانیم: «ارسلان پوریا از اعضای پیشین حزب توده ایران و معاون نادر شرمینی در سازمان جوانان توده بود که پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۲۲ به زندان افتاد. این کتاب حاصل پژوهش‌ها و تجربه‌های شخصی وی از دوران نخست‌وزیری دکتر محمد مصدق و نقش حزب توده ایران در آن دوران است. بنا به نوشته خسرو شاکری، که نخستین‌بار این کتاب را در انتشارات مردک منتشر کرد، شخص دکتر مصدق، متن اولیه کتاب را دیده و حک و اصلاح کرده بود. نخستین بخش وسع ولی مخفی آن نیز با مقدمه مصطفی شجاعیان صورت گرفته بود.»



کارنامه مصدق و حزب توده
ارسلان پوریا
ناشر: ققنوس
چاپ اول: ۱۳۹۶
قیمت: ۳۸۰۰۰ تومان

گروه اندیشه: معروف است که سه ضربه تاج‌وتخت سروری بشر را روی سیاره زمین بر هم زد؛ اولین ضربه را کوپرنیک زد وقتی ثابت کرد زمین نه‌تنها مرکز عالم نیست بلکه سیاره کوچکی است که به گرد ستاره‌ای می‌گردد؛ انسان دیگر مرکز و سرور کیهان نبود. دومین ضربه را داروین زد وقتی ثابت کرد انسان نه‌تنها گونه برتر روی زمین نیست و فرق چندانی با سایر جانوران ندارد بلکه محصول یک فرآیند تکاملی است؛ ما دیگر سرور سایر جانوران هم نبودیم. سرانجام ضربه آخر را فرید زد وقتی ثابت کرد انسان‌ها حیواناتی منطقی‌اند و تحت‌تاثیر غریزه خود و تنها از بخش اندکی از وجودشان آگاه‌اند و رفتار و گفتار بشر سرچشمه مهم‌تری دارد، یعنی «ناخودآگاه»؛ ما حتی دیگر سرور خودمان هم نیستیم. فروید آخرین نمونه از این حلقه بود که با کشف ضمیر ناخودآگاه، بررسی

ریشه نارسایی‌های روانی در گذشته و ایده‌ها و نظریات شگفت‌انگیز در روانکاوی و روانشناسی خواب، افقی جدید به سوی دانش و معرفت انسان از خود و جهانش گشود. آرای فروید همچنان زنده است و البته به طرز حیرت‌انگیزی هنوز از سوی بسیاری از جریان‌های فکری انکار می‌شود، البته اگر از پیشرفت‌های اخیر علمی بگذریم که بر عقارت انسان افزودند وقتی ثابت کردند ذهن انسان چیزی نیست جز ماشین پردازش داده‌ها و خود او شاید چیزی فراتر از یک کارب نباشد. فروید در کنار ابداعاتش در روانکاوی و روش‌های بالینی ازجمله استفاده از تداعی آزاد، کشف انتقال و همچنین فرایند تحلیلی روان‌شناسی، بازتعریفی از تمایلات جنسی ارائه کرد که شامل اشکال نوزادی هم می‌شد و به او اجازه می‌داد عقده ادیب‌را به‌عنوان اصل مرکزی نظریه‌روان‌کاوی مطرح کند. تجزیه و تحلیل فروید از خود و رویاهای بیمارانش به‌عنوان آرزویی تحقق یافته او را به مدلی برای تجزیه و تحلیل علائم بالینی و سازوکار سرکوب رساند، همچنین کمک کرد نظریه خود را بسط و نشان دهد ناخودآگاه مرکز ایجاد اختلال در خودآگاه است. ازاین‌رو، آرای فروید در باب خواب و رویا نیز بسیار جنجالی و تعیین‌کننده بودند. او نخست در سال ۱۹۰۰ معروف «تعبیر خواب» یا «تفسیر رویا» را منتشر کرد که در آن به معرفی‌ی نظریه خود از تعبیر خواب با توجه به ذهن ناهوشیار فرد و عقده ادیب می‌پردازد. فروید در این کتاب از خواب رمزگشایی می‌کند و به این جهت، نظریه‌های مهمی از اصلی‌ترین نظریات فروید در زمینه سرکوب، سانسور، نظریه جنسی و رابطه خودآگاه و ناخودآگاه در این کتاب طرح می‌شود. فروید کتاب مهم دیگری نیز در این زمینه دارد که به‌تازگی با عنوان «روانشناسی خواب» با ترجمه احسان لامع ترجمه و منتشر شده است. او در این کتاب که با زیرعنوان «روانکاوی برای مبتدیان» منتشر شد، در هشت فصل به مکانیسم خواب، تحلیل رویا، کارکرد رویا، فرایند اولیه و ثانویه سرکوب، و ناخودآگاه و خودآگاه می‌پردازد و نشان می‌دهد خواب‌ها محل تلاقی دارند و چرا رویا شکل تمایلات را تغییر می‌دهد؟

معنای خواب، رویاها آرزوی تحقق یافته‌اند

فروید بررسیش از معنای خواب را پرسشی دویبعدی می‌داند: اول پرسش از اهمیت روانی خواب و موقعیت آن نسبت به فرایندهای روانی و دوم، آیا خواب معنایی دارد؟ آیا می‌توان از سایر



سننترهای ذهنی، معنا و مفهومی از هر رویای واحد دریافت؟ او در ارزیابی خواب از سه جهت‌گیری عمده می‌گوید که بسیاری از فیلسوفان به یکی از این سه جهت گرایش داشته‌اند، جهتی که هم‌زمان ارزش گذشته خود را حفظ کرده است: «از نظر آنان، شالوده خواب حالت خاصی از فعالیت روانی است که حتی می‌توان آن را در حالات فراتر به مثابه الهام پنداشت… البته خیلی‌ها نه‌تنها با را از این فراتر می‌نهند، بلکه تصریح می‌کنند که رویاها ریشه در هیجان‌های روحانی حقیقی دارند و تجلی بیرونی قدرت‌های روانی‌اند که مانع حرکت آزاد آنها در خلال روز شده‌اند. بسیاری از مشاهده‌گران اذعان می‌کنند عمر خواب قابلیت دستاوردهای فوق‌العاده‌ای در هر صورت و در زمینه‌های خاص دارد (حافظه)». فروید به نویسندگان پزشکی هم اشاره می‌کند که «با طرد مسئله فوق به سختی می‌پذیرند که خواب پدیده‌ای روانی باشد. به باور آنها رویاها منحصر از طریق محرک ناشی از احساس یا جسم، تحریک و آغاز می‌شوند و به رویابین می‌رسند یا ناشی از مزاحمت‌های تصادفی ارگان‌های داخلی آنهاست. [در نظر آنها] خواب‌ها بیشتر از صدایی که انگشتان شخص ناآشنا با موسیقی روی صفحه‌کلیدساز ایجاد می‌کنند، در پی معنا و اهمیت نیستند، همه ویژگی‌های حیات خواب بالینی و سازوکار سرکوب رساند، همچنین کمک کرد نظریه خود را بسط و نشان دهد ناخودآگاه مرکز ایجاد اختلال در خودآگاه است. ازاین‌رو، آرای فروید در باب خواب و رویا نیز بسیار جنجالی و تعیین‌کننده بودند. او نخست در سال ۱۹۰۰ معروف «تعبیر خواب» یا «تفسیر رویا» را منتشر کرد که در آن به معرفی‌ی نظریه خود از تعبیر خواب با توجه به ذهن ناهوشیار فرد و عقده ادیب می‌پردازد. فروید در این کتاب از خواب رمزگشایی می‌کند و به این جهت، نظریه‌های مهمی از اصلی‌ترین نظریات فروید در زمینه سرکوب، سانسور، نظریه جنسی و رابطه خودآگاه و ناخودآگاه در این کتاب طرح می‌شود. فروید کتاب مهم دیگری نیز در این زمینه دارد که به‌تازگی با عنوان «روانشناسی خواب» با ترجمه احسان لامع ترجمه و منتشر شده است. او در این کتاب که با زیرعنوان «روانکاوی برای مبتدیان» منتشر شد، در هشت فصل به مکانیسم خواب، تحلیل رویا، کارکرد رویا، فرایند اولیه و ثانویه سرکوب، و ناخودآگاه و خودآگاه می‌پردازد و نشان می‌دهد خواب‌ها محل تلاقی دارند و چرا رویا شکل تمایلات را تغییر می‌دهد؟

فروید نخستین نظریه نظام‌مند از ناخودآگاه را در کتاب تفسیر خواب ارائه کرد. کتاب بعدی او «سه رساله درباره نظریه جنسی» بود که در زمان انتشار خود سروصدای زیادی به پا کرد و تابوهای عمیقی را شکست. این کتاب که در سال ۱۳۴۳ به فارسی ترجمه شده بود اخیرا در ترجمه‌ای جدید مجددا روانه بازار شده است. در ترجمه جدید، نوشته‌های دیگر فروید در ارتباط با رشد جنسی که طی سال‌های ۱۹۰۶ تا ۱۹۳۱ نوشته شده ضمیمه کتاب است. فروید در این کتاب، به تبیین نظریه جنجال‌برانگیز خود درباره عقده‌های ادیب و الکترا پرداخته که به نوعی پایه و اساس اندیشه‌های بعدی او است. سه رساله شامل سه زیرمجموعه است: رساله اول درباره مسائل کلی جنسی و انحراف‌ها و کزروی‌های مرتبط با این غریزه است، رساله دوم میل در دوران کودکی تا زمان بلوغ را شامل می‌شود و رساله سوم درباره تکوین میل جنسی در دوران بلوغ است. فروید در طول این سه رساله مفهوم تکامل «لیبیدویی» یا رشد جنسی شخص را توضیح می‌دهد. او مفهوم لیبیدو را به معنای نیرویی متغیر می‌داند که می‌تواند فرایندها و تبادل‌های حوزه برانگیختگی جنسی را اندازه بگیرد. فروید لیبیدو را از کارمایه‌ای که به طور عام در فرایندهای روانی مفروض است از منشأ ویژه‌اش متمایز می‌کند و به این ترتیب به آن خصلتی کیفی می‌بخشد. تحلیل انحراف‌های جنسی و روان‌زندی‌ها او را به این نگرش رهنمون می‌سازد که برانگیختگی جنسی توسط همه اندام‌های بدن انجام می‌شود.

بنابراین ما برای خود تصویری از مقدار لیبیدویی را می‌سازیم که نماینده روانی‌اش را «لیبیدوی من» می‌نامیم که تولید، افزایش یا کاهش، توزیع و جابه‌جایی‌اش می‌باید برایمان امکان توضیح پدیده‌های مشاهده‌شده روانی و جنسی را فراهم آورد. نقطه عزیمت فروید در این کتاب انحراف در غریزه جنسی است و خواننده را با این پرسش مواجه می‌سازد که انحراف و کزروی بر

اندیشه

گزارشی از کتاب «روانشناسی خواب» فروید

رویا از گذشته خبر می‌دهد و شاید از آینده



در هشجاری ناشناخته است». فروید نشان می‌دهد «رویاها آرزوی تحقق‌یافته را به ما نشان می‌دهند. آنها واقعیت عملی‌شده و حاضر را نشان می‌دهند. خواب می‌بینیم در اصل شامل صحنه‌های هرچند ناقص به‌خصوص تصاویر بصری احساس ما هستند». (ص۲۴) البته فروید بین محتوای آشکار و پنهان رویا فرق می‌گذارد که ما را به این نتیجه می‌رسانند کل محتوای رویا حاصل افکار درون رؤیاست و تقریباً تمام فکر خواب در محتوای رویا نشان داده می‌شود. پس هنوز تفاوتی معین وجود دارد.

چون «آنچه به‌عنوان محتوای ضروری آشکار و برجسته‌تر می‌شود، باید با نقش تابعی که در میان تفکرات خواب ایفا می‌کند، رضایت‌بخش باشد و آنچه ناشی از عواطف ماست و گفته می‌شود که در بین تفکرات خواب مهم‌تر جلوه می‌کنند، خود را در محتوای رویا نشان نمی‌دهد». (ص ۳۲) بنابراین فروید این پدیده را چنین توصیف می‌کند: «در خلال رؤیاجری، فشردگی فیزیکی از تفکرات و مفاهیمی جریان پیدا می‌کند که در فضاوت مسا نیاز به چنین تاکیدی ندارد. هیچ فرایند دیگری نمی‌تواند تا این حد در پنهان‌سازی محتوای یک خواب و ناشناخته‌ساختن ارتباط با محتوای رویا و تفکرات خواب مهم باشد». (ص ۳۲) فروید رویاجری را یک فرایند کاملا فرایند از صدایی که انگشتان شخص ناآشنا با موسیقی روی صفحه‌کلیدساز ایجاد می‌کنند، در پی معنا و اهمیت نیستند، همه ویژگی‌های حیات خواب به مثابه تقلایی نامنسجم ارگان‌های خاص یا عناصر غشایی مغز به دلیل برخی محرک‌های فیزیکی است». (ص ۹۰–۸) در مقابل به اعتقاد راسخ مردم هم اشاره‌ای می‌کند که خواب را معنادار می‌دانند، چنان‌که معنایی از محتوای معمایی و عجیب آن بیرون می‌کشند که انگار خیز از آینده می‌دهد. ادعای جنجالی فروید آنجا شکل گرفت که

جانب مردم را گرفت تا پزشکان. به نظر او دیدگاه مردم درباره خواب که ریشه در خرافات دارد، به واقعیت نزدیک‌تر است تا دیدگاه پزشکی. اما چطور؟ او با استفاده از روش‌های نوین بررسی روان‌شناختی به نتیجه جدیدتری دست یافته بود.
در نظر فروید همان‌قدر که مشغولیت‌های ذهنی و احساسات خاص ناشی از ترس مکرر در هوشیاری عجیب است، رویاها هم در هوشیاری پس از بیداری عجیب به نظر می‌رسند، چون «منشأ آنها هم مانند منشأ رویاها

فروید

رشد جنسی و فرهنگ پذیری

داده‌های ارثی منطبق است یا به دنبال تاثیرهای زندگی اکتساب می‌شود. او پاسخ به این پرسش را از بررسی در مناسبات غریزه جنسی در متلبایان به روان‌زندی به دست می‌آورد، یعنی در گروهی انسانی که از نظر تعداد کثیرند و فاصله چندانی با انسان‌های سالم ندارند. در نهایت او این‌ا ایده را مطرح می‌کند که «نپوروز، همسان وجه امر منفی انحراف جنسی است.» (ص ۱۱۴) و ناخشنودی خود را از این امر ابراز می‌کند که در علم پزشکی آن روز، غریزه جنسی در سنین کودکی انکار می‌شد و بیانگرده‌ای نه‌چندان نادر و جنسی کودکانه به مثابه پیشامدهایی خلاف قاعده توصیف می‌شدند. در مقابل او این‌ نظر نو را مطرح کرد که کودک نطفه فعالیت جنسی خود را با خود به دنیا می‌آورد و حتی در هنگام دریافت خوراک از ارضای جنسی بهره‌مند می‌شود. فعالیت جنسی کودک همگام با سایر عملکردهای او رشد نمی‌کند بلکه پس از دوره کوتاه شکوفایی از دو تا پنج‌سالگی، (سال‌های دوره موسوم به دوره نهفتگی) آغاز می‌شود. در این دوره اخیر تولید تحریک جنسی به هیچ وجه متوقف نمی‌شود بلکه ادامه می‌یابد و انباشته‌ای را فراهم می‌سازد که به طور عمده برای مقاصد دیگری به جز غریزه جنسی به کار گرفته می‌شود، یعنی از یک‌سو برای تحویل‌دادن مؤلفه‌های جنسی برای احساس‌های اجتماعی و از سوی دیگر (به واسطه واپس‌زدگی و ایجاد واکنش) برای ساختن سدهای جنسی آینده.

سه رساله درباره نظریه جنسی

زیگموند فروید
ترجمه: ابراهیم ملک‌اسماعیلی
ناشر: نگاه
چاپ اول: ۱۳۹۶
قیمت: ۲۴۰۰۰ تومان

ناخودآگاه وجود داشته باشد رویاها محصول و نمود آن هستند و هر رویایی ممکن است مدلول تحقق یک آرزو باشد». (ص۱۰۵) فروید به‌طور خلاصه تحلیل خود را چنین توضیح می‌دهد: کار هنگام بیداری ممکن است هنوز باقی‌مانده مؤثر خوابی و فعالی باقی گذاشته باشد، ممکن است میل ناخودآگاهانه‌ای را تحریک کرده باشد. این دو مورد ممکن است مصادف شوند. سپس روشن می‌شود، هنگام روز یا فقط هنگامی که خواب فرامی‌رسد، میل ناخودآگاه راهی به این باقی‌مانده هنگام روز برای خود باز می‌کند و شدت و مختصات خود را به آنها منتقل می‌کند و در حقیقت عمل انتقال را به انجام می‌رساند. آنگاه با میلی که خود را به عناصر جدید منتقل کرده ظاهر می‌شود و یا اینکه فلان میل جدید سرکوب‌شده توان خود را از ناخودآگاه باز می‌گیرد و به جنب‌وجوش می‌افتد و به‌آسانی

از راه طبیعی جریان‌های فکر، به‌واسطه حالت نزدیک به خودآگاهی که قسمتی از آن از نیروی گرفته‌شده ممکن است به عالم خودآگاهی راه یابد، با سانسور مواجه می‌شود که هنوز فعال است. اینجاست که دستخوش یک جابه‌جایی تازه می‌شود که پیش‌تر توسط عمل انتقال مهیا شده بوده است. سانسور مواجه می‌شود که هنوز فعال است. اینجاست که دستخوش یک جابه‌جایی تازه می‌شود که پیش‌تر توسط عمل انتقال مهیا شده بوده است. سانسور مواجه می‌شود که هنوز فعال است. اینجاست که دستخوش یک جابه‌جایی تازه می‌شود که پیش‌تر توسط عمل انتقال مهیا شده بوده است.

اندیشه ثابت، به اندیشه‌های هذیانی و غیره منتهی شود. فروید همه اینها را افکاری می‌داند که با پدیده انتقال تقویت شده و با سانسور از شکل افتاده و دگرگون شده‌اند. اما حالت نزدیک به خودآگاهی به آن اجازه دورتررفتن از این را نمی‌دهد. پس به نظر می‌رسد این سیستمی که توضیح داده شد ظاهرا باپاین‌آوردن درجه تحریک‌پذیری خود از خودش حراست کرده باشد. از این‌رو، فروید اضافه می‌کند که فرایند رویا مسیر واپس‌گرایانه را طی می‌کند که این مسیر با ویژگی حالت خواب باز می‌شود و بدین‌طریق به وسیله گروه‌های حافظه جذب در آن می‌شود. فروید نتیجه می‌گیرد رویا در مسیر واپس‌گرایی شکل نمایش می‌گیرد. (صص۱۰۹–۱۱۰)

فروید همچنین به‌خوبی نشان می‌دهد که رویا فرایند از افکار و تصورات روزانه ماست و نمی‌تواند مانع از شکل‌گیری روابط روزانه شود. او این امر را حافظ محتوای صحیح رویا می‌داند. چون فرایند رویا برخوردار از مکانیسم ارتباط است. بر همین اساس رویاها باید حافظه‌ای بسیار قوی داشته باشند که اطلاعات و اتفاقات مربوط به دوران کودکی را در دسترس دارند. بماند که رویاها رویدادهای بی‌اهمیت روز بیش را انتخاب می‌کنند و نمی‌توانند به موضوع مهم روز بپردازند مگر آنکه فراتر از اتفاقات فعالیت‌های روزانه ما باشند. پس با تحلیل رویا می‌توان اندکی وارد سازمان و چگونگی این وسیله شد که فروید آن را از حیرت‌انگیزترین و اسرارآمیزترین وسایل می‌دانست. هرچند فروید آن را آغاز کاری می‌دانست که به ما اجازه می‌داد به جاهای دیگری هم دست یابیم. به نظر می‌رسد حق با فروید بود که جانب مردم را گرفت نه پزشکان منتها با این تفاوت که خواب بناست خبر از گذشته دهد، شاید هم از آینده. فروید خود نیز ادعان داشت که نمی‌توان گفت چطور، ولی «اینکه رویاها می‌توانند از آینده خبر دهند عاری از حقیقت تکامل فرهنگی عالی‌تر است اگرچه هم‌زمان تمایل به نوروز را نیز درون خود گنجانده است. در خویشان جانوری فردی و تاریخیه تکوین امری مشابه قابل اثبات نیست. اشتیاق خاستگاه این خصیصه انسانی را می‌بایست به احتمال در پیش‌تاریخ نوع انسان جست. واپستگی «سه رساله درباره نظریه جنسی» به دستاوردهای تجربی روان‌کاوانه، که محرکی در نگارش آن بوده است، نه‌تنها خود را در گزینش، بلکه در ترتیب ارائه مواد و مصالح نیز نشان می‌دهد. در همه جای کتاب تناسبی بین تاریخچه تکوین فردی و تاریخیه تکوین نوعی برقرار است. تاریخچه تکوین فردی را می‌توان به عنوان تکرار تاریخچه تکوین نوعی مشاهده کرد منوط به آنکه تاریخچه تکوین نوعی به دنبال تجربه زیستی جدیدتری تغییر نیافته باشد. همچنین جنبه‌های وضعی مقدماتی در پیش‌زمینه باقی می‌ماند، تکوین فردی نیز از تکوین نوعی مورد مطالعه واقع می‌شود و به‌واقع امر تصادفی در تحلیل نقش اسرار را ایفا می‌کند. فروید در این کتاب بر پیوند دائمی این بررسی با پژوهش‌های روان‌کاوانه و ناوابستگی تعمدی آن به تحقیقات زیست‌شناختی به عنوان ویژگی این کتاب تأکید می‌کند. او از انتقال انتظارات علمی متعلق به زیست‌شناسی جنسی عمومی یا زیست‌شناسی نوع‌های ویژه جانوری به درون این بررسی‌ها پرهیز کرده که نمایش عملکرد جنسی انسان را تنها از طریق فن‌های روان‌کاوی ممکن سازد.

کتمه‌ها

نظریه‌کنش و امید اجتماعی

● مقصود فراستخواه در همایش «بازرگان و انقلاب اسلامی»: این گفتار را با این پرسش آغاز می‌کنم که «چرا باید از بازرگان حرف زد؟» واقعیت این است که جامعه ایران با نحوه کنش کنشگران قابل توضیح است؛ اینکه بازیگران ملی آن، با چه قواعدی بازی می‌کنند؟ این امر، هم دلایل نظری و هم شواهد تاریخی بسیار دارد. از موضوعات و مباحث برجسته در جامعه‌شناسی، بحث «عاملیت» و «ساختار» است؛ به این معنا که برخی بر این باورند «ساختارها و نهادها» در یک جامعه تعیین‌کننده‌اند و برخی دیگر «عاملیت اجتماعی» و نحوه عمل کنشگران را در این فضا مهم تلقی می‌کنند. نهایت این مناقشه با کسانی مثل کیدنز و بوردیو خاتمه یافت و آنان در این زمینه به یک رهیافت تلقیفی رسیدند؛ به این معنا که هم «ساختارها» و هم «عاملان» با هم تعیین‌کننده‌اند. اما در تقریر دیگری از بحث عاملیت و ساختار برخی از دوره رشد هر جامعه صحبت می‌کنند، که در مسیر آن، گاه «عاملیت» و گاه «ساختار» وزن بیشتری پیدا می‌کند. اینکه بین «ساختار» و «عاملیت» کدام‌یک وزن بیشتری پیدا می‌کند، دیگر موضوعی تئوریک نیست و بیشتر تجربی است و مربوط به دوره‌هایی است که یک جامعه طی می‌کند. جوامع با هم فرق می‌کنند حتی یک جامعه در دوره‌های مختلف، اولویت‌ها و وظیفه‌های مختلفی پیدا می‌کند.

جوامعی که نهادها و ساختارهایش بر اثر انباشتی تجمعی از نتایج کنش کنشگران به درجاتی از توسعه رسیده، واجد ساختارهای تثبیت‌شده‌تر است و قطعا تفاوت دارد با جوامعی که ساختارهای نهادینه‌شده ندارد. در جوامع توسعه‌یافته، «هوشمندی»، «عقل» و «اخلاق» به درون سیستم‌ها رسوخ کرده و سیستم‌ها به نوعی هوشمندانه عمل می‌کنند. به تعبیری، در این جوامع، نه صرفا کنشگران بلکه سیستم‌ها هم عاقل هستند و نوعی خردورزی در سیستم‌ها نهادینه شده است. برای مثال، در جوامعی که رسانه‌ها و مطبوعات آن مستقل عمل می‌کنند، افکار عمومی شکل می‌گیرد و نهادینه می‌شود. در نتیجه، مسائل جامعه به‌طور مداوم منعکس شده و جامعه به وجهی هوشمندانه در جریان اتفاقات قرار می‌گیرد. وقتی جامعه به این سطح رسید، به‌طور اتوماتیک از یک ضریب هوشمندی برخوردار می‌شود و کمتر به «نخبگانش» چشم می‌دوزد؛ چراکه خود سیستم هوشمند است.

در چنین جوامعی سطحی از مصونیت حاکم است؛ به این معنا که مثلا سرنوشت فرانسه یا سارکوزی یا سرنوشت آمریکا با ترامپ به خطر نمی‌افتد. در چنین جامعه‌ای حساسیت در درون خود سیستم‌ها و نهادهای مدنی حاکم است. در اینجا ساختار مهم است، ساختاری که نتیجه کنش کنشگران در یک جامعه است. در دوره‌ای «کنش» مهم بود اما امروزه این «ساختار» است که در جامعه اهمیت یافته است.

در جامعه ایران ۱۳۰۰ «عاملیت انسانی» متغیر مستقل تعیین‌کننده بود و البته همچنان هست؛ چراکه جامعه ایران هنوز به آن ساختارهای تثبیت‌شده و توسعه‌یافته نرسیده و هنوز برای جامعه ایرانی، «کشگر» و «املان اجتماعی» اهمیت دارد؛ عباس‌میرزا، قائم‌مقام، امیرکبیر، امین‌الدوله، علی‌اکبر سیاسی، مصدق … اینها نخبگان تحول‌خواه ایران بودند. اینها بودند که فهمیدند ایران برای اینکه ادامه پیدا کند، باید تغییر کند. اینها برای مسئله ایران تعیین‌کننده بودند و این جنبه نظری به ما می‌گوید که در کاروبار کنشگران خود همچون بازرگان تأمل کنیم چراکه نحوه عاملیت بازرگان و کنش سیاسی او می‌توانست برای جامعه ایران بسیار تعیین‌کننده باشد.

بازرگان، ذخیره سرشاری از عقل و اخلاق سیاسی بود و برای جامعه ایران ارزش استراتژیک داشت و جزء کمپاب‌های ایران است. به همین دلیل هم ارزش استراتژیک دارد؛ ازجمله رویارویی‌های بازرگان با مسائل جامعه ایران، فهمیدن و کوشش برای پیوندنژد «حیات دینی» با «تجربه معاصریت» ما است. این امر جامعه معاصر ایران «روایتی آزادی‌خواهانه و عقلانی از انقلاب اسلامی» را از بازرگان شنید و «زرکی رحمانی از دین» را از او دریافت کرد. واقعیت این است که ساختارهای حکمرانی در دهه‌های ۳۰، ۴۰ نقیاض و عیوبی همچون استبداد و نابرابری داشت. در این فضا، جامعه ایران نمی‌توانست ثبات و پایداری داشته باشد. بازرگان، تیپ اخلاقی تازه‌ای را برای جامعه ایرانی ارائه کرد و یک کسانی بود که این تیپ اخلاقی را در عمل و نظر به کار گرفت. از این‌رو، معتقدم کنشگران در جامعه ایران اهمیت دارند چون «نظریه‌کنش» نظریه‌ای برای امید اجتماعی است. ما به جای تغییرات ساختاری، ریشه مشکلات‌مان را در «فعلان» جست‌وجو می‌کنیم.

منبع: ایران تلایین